

نگاهی به رمان «نخل‌ها و آدم‌ها»

نثری که یک‌دست نیست



ادواج نیست و با آن مخالف است تا اینکه با پادرمیانی اقوام، پدر هانیه را ضی به این وصلت می‌شود.

سمیر پس از ادواج، به خط اول جبهه در آبادان می‌رود و هانیه هم به پرستاری مجروحان جنگی در بیمارستانی در همان شهر مشغول می‌شود. زندگی این زوج که با دل و جان راه دفاع از موطنشان را انتخاب کرده‌اند ادامه پیدا می‌کند تا اینکه در پایان داستان هانیه بر اثر بیماریان بعضی‌ها در بیمارستان به شهادت می‌رسد و سمیر هم در یکی از عملیات‌های مهم، بعد از اینکه باعث انفجار کشتی دیده‌بانی دشمن می‌شود، خودش هم گلوله می‌خورد و به داخل آب دریا می‌افتد و شهید می‌شود. نویسنده این کتاب در توصیفات و فضاسازی این رمان موفق عمل کرده است، خصوصاً در قسمت‌هایی که درگیری‌ها در شب‌های عملیات به اوج خود می‌رسد. همچنین شخصیت‌پردازی رمان هم به خوبی و ماهرانه صورت پذیرفته است. نویسنده کتاب خود از رزمندگان اهل ذوقی بوده که به ادبیات و نوشتن علاقه داشته، خصوصاً وقتی از بیم و امیدی می‌گوید که در شب‌های جنگ در چهره برخی از هم‌رزم‌اش می‌دیده است. نویسنده در قهرمان‌سازی رزمندگان ما اغراق نکرده است و چهره هر کدام از رزمندگان اطرافش را همانطور توصیف کرده که بوده‌اند و صداقت نویسنده در بازگویی لحظه‌های جنگ هم از دیگر نکات مهم داستان است که روایت رمان را باورپذیر کرده است. از اشکالات مشهود رمان، پرداختن آن است. نثر داستان یک‌دست نیست و گاهی دچار دست‌انداز می‌شود.

نویسنده در بعضی از صفحات و پاراگراف‌های داستان نثرش را شاعرانه و کهنه می‌کند و از پرداخت روان و امروزی داستان فاصله می‌گیرد و همین باعث می‌شود هارمونی‌ای که در پرداخت داستان است به هم بریزد. به این پاراگراف توجه کنید که نثر ده‌های قبل فارسی را به یاد مخاطب می‌آورد و گاهی هم از داستان فاصله می‌گیریم و یاد قطعات ادبی می‌افتیم: «نز دیکان و دوست‌انمان ما را در قایقی می‌نهانند و بر دریا می‌انداختند تا ما را با شتاب از ساحل، از خشکی و آدم‌هایش دور کنند و خرامان بر سینه امواج تا قلب دریا بپرند تا در آنجا که آسمان از هر سو به دریا می‌نشیند و جهانی دیگر می‌سازد، تنهای تنها، مرگ را دیدار می‌کردیم.» (صفحه ۱۴۰) رمان نخل‌ها و آدم‌ها در ۹۳۲ صفحه توسط نعمت‌الله سلیمانی نوشته شده و ناشر آن مرکز تحقیقات و اسناد دفاع مقدس است.

شعر

شعرخوانی افشین علاء در مدح حضرت معصومه (س)

نگین افکنده بر خاتم ز مهر و انجم این بانو



همهان اهالی قم بود و پیکر مطهرش در خاک پاک ایران جلاوند شد.
شعر افشین علاء درباره حضرت معصومه(س) از این قرار است:

نگین افکنده بر خاتم ز مهر و انجم، این بانو که باشد گوهری از آسمان هفتم، این بانو میان چوب بست دست‌های زائران دارد
صراحی سبز و حاصل خیز، شک ظلم، این بانو کویر از او گلستان است و می‌روید ز دانش هزاران باغ سبب و کشتزار گندم، این بانو بشا به سخت و شنو که رفت از یادها اما نشد بین هزاران اسم در ایران کم، این بانو خدا می‌خواست سلطان وطن تنها ضراع) باشد پس از او هم شود پشت و پناه مردم، این بانو اگر نالیم ۱۷ قرن، کم باشد در این ماتم که تنها بود ۱۷ روز مهمان، این بانو...

دیدگاه

سیدحسین شهرستانی مطرح کرد

مداخله فرهنگی دولت را به سانسور و فیلترینگ تقلیل داده‌اند

دلیل بی‌توجهی به پیامدهای فرهنگی آن، به یک آسیب فرهنگی بزرگ تبدیل شده و فرهنگ‌های محلی را نابود کرده‌است. پیامدهای فرهنگی این کار، به قدری عمیق بوده است که می‌توان تاریخ آن شهرها را از هزار سال پیش تا امروز به دو بخش قبل از تأسیس دانشگاه آزاد و بعد از تأسیس آن تقسیم کرد. نه تنها پروژه‌های فرهنگی بلکه عمرانی‌ترین و صنعتی‌ترین پروژه‌ها نیز باید پیوست فرهنگی داشته باشند، این راز یک شهر به شهر دیگری انتقال می‌دهند و چون ملاحظات فرهنگی آن را در نظر نمی‌گیرند، بین این دو شهر اختلاف ایجاد می‌شود.

وی در پاسخ به پرسش بعدی که درباره بزرگ‌ترین عوام‌فریبی دولت‌ها در حوزه فرهنگ بود، به دوقطبی‌های انتخابات گذشته گریز زد و گفت: «بزرگ‌ترین عوام‌فریبی چند رذن به شعار تبلیغاتی مداخله‌نکردن در فرهنگ و آزاد گذاشتن فضای فرهنگی بود. در انتخابات گذشته، بعضی نامزدها با اجرای عملیات روانی برای تخریب رقیب، سمد دولت در فرهنگ را سانسور و گشت ارشاد معنا کردند و به بهانه اینکه آنها نمی‌خواهند در فرهنگ مداخله کنند، نه تنها رقیب را تخریب کردند بلکه سلب مسئولیت اجتماعی و سلب مسئولیت مدنی را برای خود به امرتان آوردند و مردم را در میدان پر آسبب بحران‌های فرهنگی و آسیب‌های اجتماعی تنها گذاشتند.» او چنین ادامه داد: «کل وظیفه دولت در حوزه فرهنگ این بوده است که به سلب‌ریتی‌ها و هنر پیشه‌ها بپردازد. سلب‌ریتی‌ها هم به خاطر ربا بودن شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها و شبکه‌های قدرت، مسائل خودشان را مسائل جامعه جا زدند. در واقع کارکرد سلب‌ریتی‌ها این است که خودآگاهی مردم را از آنها می‌گیرند، به گونه‌ای که مردم دیگر واقعیت‌های زندگی‌شان را فراموش می‌کنند و فکر می‌کنند مسائلی که آنها می‌گویند مسائل مردم است.»

روزنامه‌سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی سر دبیر: غلامرضا صادقیان آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴ سازمان آگهی‌ها: ۰۲۵۰۸۸۴۹۸۴۵۰ روابط عمومی: ۰۸۸۴۹۸۴۴۸۰،نمابر: ۰۶-۸۸۸۴۵۶۳۴۴۰ توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴ چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۲۲۹ | یکشنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۰ | ۲ ذی‌القمده ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۳:۰۴ | غروب آفتاب: ۲۰:۲۱ | مغرب: ۲۰:۴۲ | نیمه شب: ۲:۱۰ | اذان صبح: فردا ۰۲:۲۰ | طلوع آفتاب: فردا ۵:۴۸

جای خلاقیت در برنامه‌سازی کجاست؟

مهران مدیری در اولین قسمت از «مسابقه دورهمی» از کپی بودن جزء به جزء آن سخن گفت و اینکه سعی کردیم خیلی خوب کپی کنیم، کپی در جه یک داشته باشیم، این مهم است و کپی هم باید در جه یک باشد!



مصطفی شاه‌کرمی

مهران مدیری هم‌زمان با پخش اولین قسمت از سری جدید برنامه «دورهمی» با اعلام کپی بودن برنامه‌اش سعی کرد ضمن قرار به جلو منتقدان را غافلگیر کند، این در حالی است که اغلب منتقدان به کپی بی‌کم و کاست برنامه‌ها بدون در نظر گرفتن عناصری مانند خلاقیت و نوآوری و پیوست‌های فرهنگی مطابق با فرهنگ و هنجارهای کشورمان انتقاد دارند

نه صرفاً کپی کردن از برنامه‌های خارجی. مهران مدیری در اولین قسمت از فصل جدید برنامه «دورهمی» (سری پنجم) که جمعه شب ۲۱ خرداد روی آنتن شبکه نسیم رفت، از ساختار مسابقه‌ای که اجرا کارگردانی آن را بر عهده دارد رونمایی و در واکنش به برخی شبانه‌ها تأکید کرد جزء به جزء این مسابقه کپی شده از یک برنامه خارجی است. مدیری در ابتدای سری جدید برنامه «دورهمی» که قرار است از جمعه تا دوشنبه روی آنتن شبکه نسیم برود، بیان کرد: سری چهارم برنامه تمام شد و مدتی از شما دور بودیم و خدا را شکر سری جدید برنامه با شکلی جذاب آغاز شد. هر برنامه‌ای مثل تاک شو، مثل مسابقه و... کپی نمونه اصلی دارد، بقیه کپی هستند یعنی یک کشوری یک اصل می‌سازد، بقیه کشورها از آن کپی می‌کنند. این برنامه هم کپی است، جزء به جزء آن کپی است، سعی کردیم خیلی خوب کپی کنیم، کپی درجه یک داشته باشیم، این مهم است و کپی هم باید درجه یک باشد. مدیری با گفتن این حرف‌ها که بهره‌گیری از تکنیک‌های عملیات روانی محسوب می‌شود، سعی کرد با برمالا کردن نتکاهای که ممکن است بعداً رسانه‌ها و منتقدان از آن در نقد برنامه استفاده کنند، ضمن دست پیش گرفتن باب هر گونه نقضادی در رابطه با محتوای کپی کاری شده برنامه تا‌هاش را مسدود کند.

مؤلفه «خلاقیت و نوآوری» در عرصه برنامه‌سازی تلویزیونی، چه برنامه‌هایی که به منظور سرگرم‌سازی مردم و مخاطبان و چه برنامه‌هایی که در قالب اصول و قواعد تعریف شده در حوزه پادفندن غیرعامل طراحی، ساخت و تولید آنها به رشدیافتگی جامعه و بالا رفتن سواد رسانه‌ای مردم می‌انجامد، جزو عناصر اولیه و بدیهی در این میدان محسوب می‌شوند. طی سال‌های اخیر این شاخص مهم در اکثر برنامه‌های ایران پندم‌دوم تلویزیونی دیده نمی‌شود و ظاهراً داشتن اسپانسر

حکمت

امام علی(ع): عزت مؤمن، بی‌نیازی اواز مردم است.

«گزیده تحف العقول»

مخاطبان قرار گرفت. متأسفانه نبود و بهره‌گیری از عنصر خلاقیت در این برنامه نه فقط در محتوا و رویکرد که حتی در مواردی کاملاً با نمونه اصلی آن برنامه در چیدمان و طراحی شکل دکور، نحوه نشستن مجری (مهران مدیری) نیز رعایت شده بود و تنها وجه تمایز این دو برنامه مربوط به زبان مجری و شرکت‌کنندگان در آن بود.

از جمله دیگر برنامه‌های کپی شده بدون توجه به لزوم اعمال و الحاق پیوست‌های فرهنگی یا به عبارتی ایرانیزه کردن آنها می‌توان به برنامه «عجوبه‌ها» اشاره کرد که از نمونه‌ای خارجی به نام «little big shots» کپی شده است. این برنامه از لحاظ دکور و شکل طراحی آن حتی استفاده از نور و رنگ بنفش هم از آن نمونه، بهره

کامل گرفته است. مسابقه «بمب» نیز یکی دیگر از این کپی‌کاری‌های بدون خلاقیت تلویزیونی بود که با انتشار گزارشی از سوزی رسانه‌های می‌گیرد، در واقع اگر اسپانسر جور بشود محتوا نعل و نعل مسابقه‌ای با نام Boom در اسرائیل است که باعث شد سازندگان این مسابقه در واکنش به هجمه‌های رسانه‌ای نام این مسابقه را از بمب به «سیم آخر» تغییر دهند. چیدمان دکور و حتی استفاده از یک بمب که مهم‌ترین

وسيله و محور مسابقه است در کنار عینک‌هایی که شرکت‌کنندگان حین اجرای مسابقه باید از آنها استفاده کنند، همگی کپی‌های نعل به نعلی بود که از برنامه Boom اسرائیلی انجام شده بود. مسابقه «زچی‌نو» با اجرای باربد بابایی هم که مدتی است از تلویزیون پخش می‌شود نسخه کپی‌شده از برنامه‌ای به نام «family feud» است که محتوا و نوع سؤالات این برنامه هم مثل اسلاف گذشته‌اش با واکنش منفی کارشناسان و منتقدان مواجه شده است. مسابقه پر حرف و حدیث «برنده باش» نیز الگو‌گیری از برنامه هندی «Who Wants to Be a Millionaire» بود که دستمایه فیلم سینمایی میلیون زاغه‌نشین قرار نگیرد هیچ کدام از هدف‌گیری‌های اولیه آن برنامه سازان به خصوص برنامه‌سازان تلویزیون قرار نگیرد هیچ کدام از هدف‌گیری‌های اولیه آن برنامه که سرگرم‌سازی جامعه یکی از آنهاست، هرگز محقق نمی‌شود و به خطری رهاشده در بین جامعه تبدیل می‌شود که ضرر آن به مراتب بیشتر از محسنان آن است.

کپی‌های تلویزیونی، بدون پیوست فرهنگی فصل‌های قبلی برنامه «دورهمی» کپی کاملی از یک برنامه پرپیننده کشور هندوستان به نام Comedy night with kapil است که مدت‌هاست به زبان هندی پخش می‌شود و اتفاقاً یکی از پرپیننده‌ترین برنامه‌های تلویزیونی و سرگرمی ساز طرز در کشور هندوستان است. نسخه بازآفرینی شده برنامه «دورهمی» به دلیل طراحی اولیه آن بر اساس معیار و ملاک‌های جامعه هندوستان منبع از هنجارها و ارزش‌های آن کشور در موارد متعددی از لحاظ دینی، اخلاقی و فرهنگی با جامعه کشور ما کم‌ترین همخوانی‌ای نداشته است، چه اینکه طراحی و نوع سؤالاتی که مجری از مهمانان برنامه می‌پرسید به دلیل ورود به برخی حریم‌های خصوصی افراد که از نظر دینی و فرهنگی و حتی رویکرد تمدنی ایرانیان بدوم است، مورد اعتراض اغلب کارشناسان رسانه و

نما حسین گشتار



نقد فیلم

شوخی «آنها» با ژانر وحشت!

در ژانر وحشت قصه و فیلمنامه اصل است و پیش‌زمینه ژانر باید از قصه شکل بگیرد اما «آنها» صرفاً بر اساس موقعیت‌های ترسناک ساخته شده است



بدهد. فیلمساز آنقدر دستش بسته بوده و در فکر و تخیل سیر می‌کرده که حتی برای ایده‌پردازی‌اش نتوانسته از خانه خارج شود. هر سه قسمت سریال تا اینجای کار در خانه اتفاق می‌افتد و از آنجا که خانه برای ایرانیان مکان امنی است، فیلمساز خانه را پایه و اساس ترس و دلهره تعیین کرده و جالب‌تر از آن اینکه هنوز تصور فیلمساز این است که اگر صدای عجیب در خانه بپیچد، اگر سایه‌ای روی دیوار

بیفتد یا ریتم، موسیقی به طوری عجیب باشد، چگالی ترس در مخاطب بیشتر می‌شود اما آن چیزی که بیشتر در این سه قسمت احساس می‌شود فانتزی بودن ماجراست.

در قسمت اول آدم‌های نقاشی بیرون می‌آیند و نمی‌دانیم چرا و در آخر مادر و پسر را به شکل نقاشی شده روی بوم می‌بینیم. در قسمت دوم وضعیت بحرانی‌تر و خرافه‌تر است و گاهی فکر می‌کنیم کارگردان قصد شوخی با مخاطب را دارد.

در قسمت سوم خرافه بومی‌سازی شده و به بدترین شکل درآمده است که نشان می‌دهد فیلمساز غیر از ترس‌اندن مخاطبش به شکلی بچگانه ایده دیگری ندارد، این شکل از ترس‌اندن ابتدایی را می‌توانید از تیتراژ سریال درک کنید.

اشاره کنم که فرم و اجرا مهم‌ترین عنصری بوده که برای سازندگان‌ش اهمیت نداشته است.

ساخت این گونه از سریال‌ها برای مخاطبی که فیلم‌های مهم روز در ژانر وحشت را می‌بیند، قطعاً یک شوخی به حساب می‌آید.

گفت‌وگو

در گفت‌وگوی «جوان» با طراح صحنه باسابقه مطرح شد

بودجه کم، طراحی صحنه را کمرنگ می‌کند



به سریال «می‌خواهم زنده بمانم» کار همکار بابک طاری اشاره کنیم که بسیار حرفه‌ای و خوش‌ساخت بوده است. اصلاً هر جا که با فکر و حساب‌شده طراحی کار را انجام می‌دهند، حاصل کار استاندارد است.

گزار توضیح داد: تعیین بودجه مناسب و منطقی برای پروژه‌ها نیاز به فاز مطالعاتی و تحقیقاتی دقیق دارد و اگر با توجه به ملزومات پروژه نسبت به تعیین بودجه برای تولید اقدام شود، آنگاه دیگر با فیلم و سریال‌هایی روبه‌رو نیستیم که حتی لوکیشن‌هایشان هم تکرار ی‌است.

این طراح هنری گفت: همه جای دنیا در مناسبات حرفه‌ای تولید سعی می‌کنند در پیش‌تولید، بهترین ایده‌ها را برای انتخاب لوکیشن و طراحی صحنه و پوشش کاراکتر برگزینند و ما نیز هر گاه نگاهمان حرفه‌ای بوده است، توانستیم فیلم‌ها و سریال‌هایی چشم‌نواز تولید کنیم، پس چه بهتر که در هر گونه تولید، طراحی صحنه و لباس را جدی بگیریم و استاندارد دهای بصری را از تقا دهیم.